

نکته‌هایی درباره جغرافیای سیاسی کشورهای آسیای میانه

□ نویسنده: غلامحسین حیدری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

ویژگی‌های عمومی

■ الف - تعریف منطقه - اصطلاح «آسیای میانه» که معمولاً به جمهوری‌های مسلمان‌نشین واقع در شرق دریای خزر اطلاق می‌گردد، ناشی از تقسیم‌بندی بخشهای آسیای شوروی سابق است و با اصطلاح «آسیای مرکزی» که منطبق بر تقسیم قاره پهناور آسیا به چندین منطقه وسیع جغرافیایی است تفاوت دارد.^(۱)

این سرزمین شامل چهار جمهوری تازه استقلال یافته ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و بخشی از جمهوری فزاقستان است که در حوضه آبریز دورودخانه بزرگ آمودریا و سیردریا (جیحون و سیحون) قرار گرفته است. بخش مرکزی و غربی آن شامل جلگه هموار و پهناور توران^(۲) است که دریاچه آرال^(۳) در مرکز آن واقع شده و بخشهای جنوبی و شرقی آن که مجاور مرزهای ایران، افغانستان و چین میباشد به رشته ارتفاعات پامیر و «تین شان» و همچنین حد شمالی آن نیز به استپهای قرقیزستان^(۴) و دشتهای جنوبی فزاقستان منتهی میشود. (نقشه شماره ۱)

■ ب - تقسیمات سیاسی - معمولاً در تقسیمات کشوری شوروی سابق، فزاقستان که از نظر وسعت دومین جمهوری این کشور پس از فدراسیون روسیه بشمار می‌رود جزو آسیای میانه بشمار نمی‌آمد و روسها این منطقه را تنها مشتمل بر چهار جمهوری متحد ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان میدانستند که بصورت نوار ممتدی سراسر حاشیه جنوبی این کشور را دربر میگرفت و موطن اقوام آسیای مسلمان بود.^(۵) از آنجا که سیمای کنونی جغرافیای سیاسی کشورهای تازه استقلال یافته و مرزهای بین‌المللی و تقسیمات داخلی آنها هنوز برپایه تقسیم‌بندیهای استوار است که از دوران حیات کشور شوروی بجای مانده، بهتر است براساس همان تقسیمات، وضع کنونی این کشورها مورد ارزیابی قرار گیرد.

بموجب قانون اساسی سال ۱۹۷۷ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، این کشور از پانزده «جمهوری متحد» (S.S.R) تشکیل شده بود که هر جمهوری نیز معمولاً به چند «جمهوری خودمختار» (A.S.S.R)^(۶) و همچنین «ایالت خودمختار» (A.O)^(۷) و «منطقه خودمختار» (N.O)^(۸) تقسیم میشد.^(۹)

تقسیم‌بندی مزبور که برپایه تفکیک قومی و ملی مردم این کشور قرار داشت، منطبق بر نواحی جغرافیایی خاصی بود که سرزمین اصلی هر قوم و ملت بشمار میرفت و وسعت قلمرو آن ناشی از برخی ملاحظات سیاسی و نیز گسترش و پراکندگی آن ملت بود.

علاوه بر این تقسیم‌بندی که بیشتر منشاء قومی داشت، هر جمهوری خود به چند حوزه اداری داخلی بنام «ابلاست» (Oblast) تقسیم میگردد که مبتنی بر شرایط و ویژگیهای ناحیه‌ای بود. (نقشه شماره ۲)

■ ج - خطوط مرزی - از نظر تقسیمات ناحیه‌ای و ترسیم خطوط مرزی بین جمهوریها، روسها اساس کار خود را برپایه قلمروهای قومی و فرهنگی قرار داده بودند و سعی داشتند مرز هر واحد قومی، آغاز سرزمین قوم دیگر باشد. اما از آنجا که اساساً مفاهیم قوم و ملت از نظر انسان‌شناسی بسیار پیچیده است، مرزبندیهای مزبور بهیچوجه نتوانست بطور کامل بر واقعیتهای جغرافیایی و ویژگیهای مشترک انسانی منطبق گردد و به همین دلیل با فروپاشی نظام قدرتمند سابق، به تدریج برخی از دشمنی‌های قومی که دارای ریشه‌های کهن تاریخی بود شدت یافت و منجر به برخوردهای تند و خشن میان اقوام مختلف گردید که بحران قره‌باغ و زدوخورد آذربایجان و ارمنستان یا مشکل جدایی طلبان دنستر (Dnestr) در جمهوری مالدوای از آن جمله است.

اساساً خطوط مرزی جمهوری‌های آسیای میانه و جمهوری‌های واقع در سایر بخشهای شوروی سابق از نظر منشاء و نحوه ترسیم متفاوت است. در حالیکه مرزهای سیاسی جمهوریهای اروپایی و قفقاز غالباً ریشه تاریخی داشته و بدلیل کثرت نسبی جمعیت و نیز تنوع محیط طبیعی بیشتر با توزیع گروههای نژادی و فرهنگی انطباق دارد، مرزهای سیاسی جمهوریهای آسیای میانه اساساً فاقد ریشه تاریخی بوده و اغلب بصورت مصنوعی بوجود آمده است. در گذشته بخش بسیار وسیعی از این سرزمین موطن گروههای کم جمعیت و پراکنده چادر نشین و دامداران ترک زبان (Turkish Nomads) بوده که ضرورتی در ترسیم خطوط مرزی بین مراتع و سرزمینهای خود نمی‌دیدند. از سوی دیگر، به علت تفاوت سیمای جغرافیایی، شکل ظاهری مرزها نیز از نظر تطبیق یا عدم تطبیق با عوارض جغرافیایی، با یکدیگر متفاوت^(۱۰) است. به این معنی که مرزهای سیاسی جمهوریهای واقع در قفقاز و حتی بخشهای اروپایی، بخاطر تنوع محیط طبیعی نظیر وجود رودها و کوههای متعدد، بیشتر طبیعی بوده و از این شاخصها تبعیت کرده است، در صورتی که مرزهای سیاسی و داخلی جمهوریهای آسیای میانه به علت یکنواختی چشم‌اندازهای جغرافیایی و وجود دشتها و صحاری ممتد، به شکل خطوط مستقیم و هندسی است (نقشه شماره ۳).

البته پیچیدگی مرزهای واقع در بخش شرقی منطقه (دره فرغانه) جای تامل دارد.

رو بهمرفته به دشواری می‌توان یک عامل مشخص فیزیکی یا انسانی را بعنوان ویژگی مشترک در منطقه وسیع آسیای میانه معرفی کرد، زیرا به اندازه‌ای که از نظر شرایط اقلیمی، جلگه‌های پست و شنزارهای ترکمنستان و ازبکستان با دامنه‌های سرسبز کوههای بلند تاجیکستان و قرقیزستان تفاوت

توسعه یافته شمال این جمهوری را که در امتداد خط آهن سراسری سیبری قرار گرفته و از کانونهای مهم استقرار صنایع و پایگاههای استراتژیکی و اتمی شوروی سابق بوده است، روسها تشکیل می دهند. بنابر این، آسیای میانه به استثناء قزاقستان شامل سرزمینهایی است که تقریباً بین ۳۵ درجه (در منتهی الیه جنوب جمهوری ترکمنستان مجاور مرز ایران و افغانستان) الی ۴۵ درجه عرض شمالی (منتهی الیه شمال جمهوری ازبکستان، شمالغربی دریاچه آرال) و همچنین بین ۵۲/۳۰ درجه (مدخل خلیج قره باغز در داخل دریای خزر) و ۸۰ درجه طول شرقی (منتهی الیه مرز شرقی قرقیزستان با چین) قرار گرفته است. فاصله شرقی ترین نقطه آن در مشرق دریاچه «ایسک کول» (ISSYK KUL) تا غربی ترین نقطه آن یعنی بندر «کراسنودسک» (KRASNOVODSK) در ساحل دریای خزر ۲۳۰۰ کیلومتر و فاصله شمالی ترین بخش آن (ساحل دریاچه آرال) تا جنوبی ترین نقطه آن یعنی دامنه های ارتفاعات پامیر در تاجیکستان معادل ۱۸۰۰ کیلومتر می باشد.

■ ب - کانون یابی منطقه - مساحت کل چهار جمهوری مزبور قریب ۱۲۴۲۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آنها طبق سرشماری سال ۱۹۸۹، معادل ۳۲۶۶۸۰۰۰ نفر است. تراکم نسبی جمعیت در جمهوریهای چهارگانه کاملاً متفاوت است و از پایین ترین میزان تراکم در ترکمنستان (۷/۱ نفر در کیلومتر مربع) تا بالاترین حد در جمهوری تاجیکستان (۶۲/۵ نفر در کیلومتر مربع) تغییر می کند. (جدول شماره ۱)

همانگونه که جدول فوق نشان می دهد، در مجموع، جمعیت این منطقه به نسبت وسعت آن کم است و نحوه توزیع آن نیز یکنواخت نمی باشد. بخشهای وسیعی از جمهوریهای مزبور بویژه در شمال و غرب این سرزمین به علت غلبه آب و هوای خشک صحرایی و وجود شنزارهای گسترده، خالی از سکنه یا دارای جمعیت کمی است، در حالی که نواحی مرکزی و شرقی بدلیل

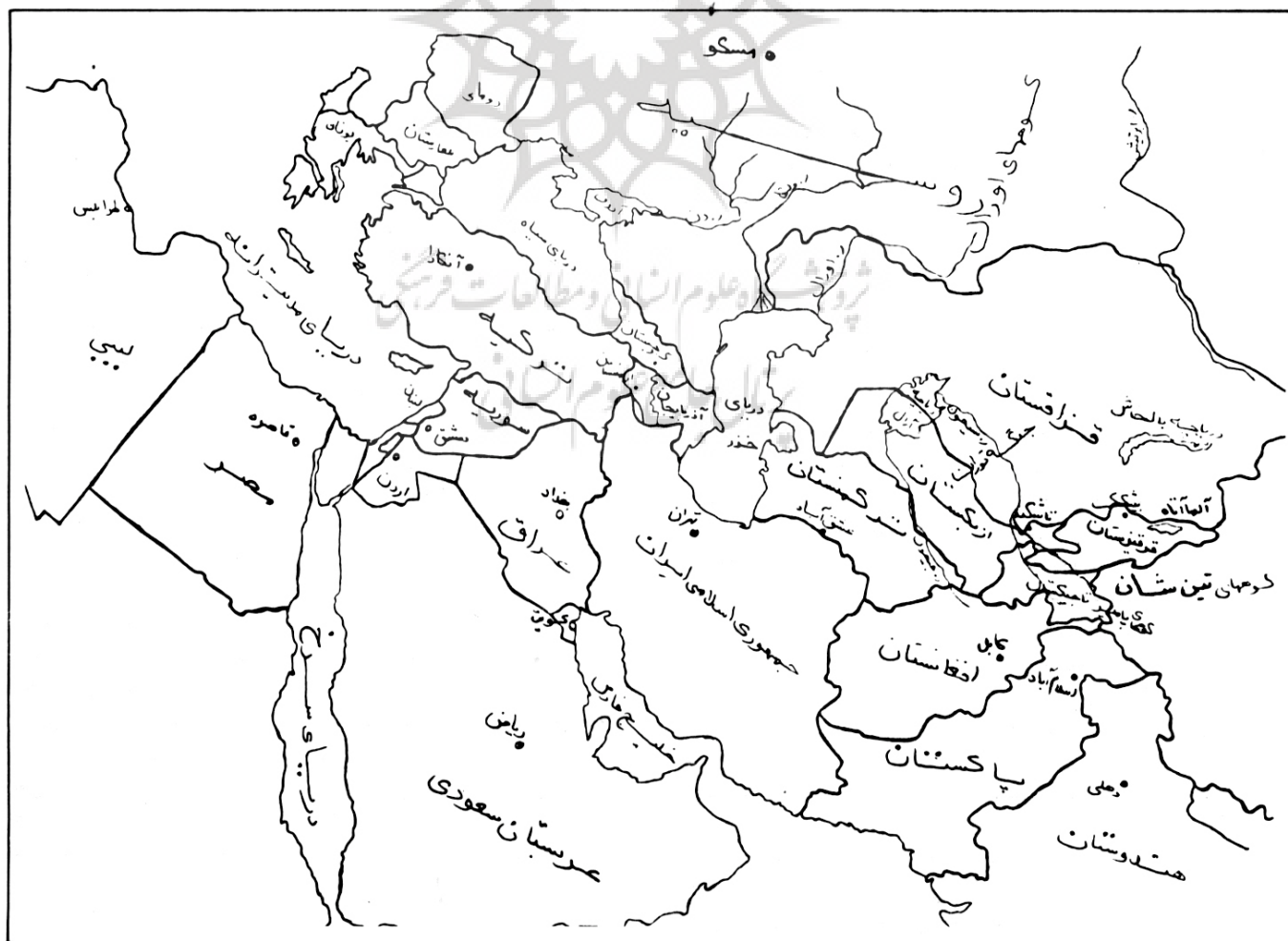
دارد، به همان میزان نیز می توان به وجود اختلاف میان نژاد، زبان، ملیت منشاء اجتماعی ساکنین بخشهای گوناگون این سرزمین پی برد. اما علیرغم این مغایرتها، ترکیب خاص تاریخی کلیه عوامل اعم از طبیعی و انسانی و بویژه جنبه های جغرافیای سیاسی ناشی از تقسیمات کشوری اتحاد شوروی و تسلط روسها طی سالهای نسبتاً دراز، موجب گردیده که وحدت و یگانگی خاصی میان مردم این منطقه ظاهر شود و همگی تحت آرمانی مشترک، خود را مسلمان آسیای میانه معرفی کنند.

اکنون نیز پس از دهها سال مبارزه مستمر نظام مسلط کمونیستی علیه جریانات مذهبی، اسلام نقش ارزنده و بی چون و چرانی در تقویت روح ملی و بیداری وجدان سیاسی این مردم بعهدہ دارد.

بررسی موقع

■ الف - موقع مکانی - همانطور که گفته شد روسها معمولاً جمهوری قزاقستان را بنا به دلایلی جزو قلمرو آسیای میانه بشمار نمی آوردند. گرچه ممکن است این جداسازی در وهله اول به واسطه وجود برخی مشابهتهای نژادی، تاریخی و مذهبی ساکنین این جمهوری با ملل سایر جمهوریها غیر واقعی به نظر رسد، لیکن با توجه به تراکم کم و توزیع ناموزون جمعیت این جمهوری و اینکه بخش وسیعی از این سرزمین اصولاً خالی از سکنه است، شاید بتوان توجیهی برای این امر یافت.

بعلاوه، این واقعیت که قزاقها بسیار دیرتر از سایر اقوام به دین اسلام گرویدند و بیشترشان در قرن نوزدهم مسلمان شدند^(۱۲) و همچنین تلاش مستمر روسها برای غلبه فرهنگی و جمعیتی بر قزاقها، موجب گردید که سیاست غیربومی کردن ساختار جمعیتی قزاقستان مؤثرتر و سریعتر از سایر جمهوریهای آسیای میانه به اجرا درآید. هم اکنون تنها ۴۰٪ جمعیت ۱۶/۵ میلیون نفری این جمهوری از قزاقها هستند^(۱۳) و اکثریت جمعیت ساکن شهرها و مراکز بخشهای



جدول شماره (۱) - مشخصات عمومی و ترکیب جمعیتی جمهوریهای آسیای میانه^(۱۴)

نام جمهوری	مساحت	جمعیت	تراکم نسبی ساکنین بومی روسها	ترکیب قومی (درصد)	دیگرمینتها
ترکمنستان	۴۸۹۶۹۵	۳۵۱۲۰۰۰	۷/۱	۷۲	۱۸
ازبکستان	۴۱۰۸۲۱	۱۹۸۰۸۰۰۰	۲۸/۲	۷۱/۴	۲۰
تاجیکستان	۱۴۲۹۹۹۴	۵۰۹۰۰۰۰	۳۵/۶	۶۲/۵	۷
قرقیزستان	۱۹۹۱۹۰	۴۲۵۸۰۰۰	۲۱/۳	۵۳/۵	۲۶/۵
جمع	۱۲۴۲۷۰۰	۳۲۶۶۸۰۰۰	۲۶/۳	۶۴/۸	۲۳/۷
قزاقستان	۲۸۵۳۰۰۰	۱۶۴۶۳۰۰۰	۵/۷	۴۰	۲۲

برخورداری از شرایط مطلوب جغرافیایی و وجود اراضی حاصلخیز، از دیرباز بعنوان کانونهای عمده جمعیت و پایگاههای فرهنگی و اقتصادی، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. از جمله این نواحی میتوان به دره ها و پایکوههای حاصلخیز و متعدد منشعب از ارتفاعات پامیر و تین شان اشاره کرد که همگی در بخش جنوب شرقی آسیای میانه و در جمهوریهای ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان قرار گرفته است.

دره وسیع و سرسبز «فرغانه» یکی از حاصلخیزترین و مسکونیترین این بخشها و محل عبور رودخانههای متعددی است که از کوهستانهای پربرف اطراف سرچشمه میگیرد و پس از پیوستن به یکدیگر تشکیل رودخانه مهم سیحون یا «سیردریا» را می دهد. این ناحیه که به «بهشت آسیا» موسوم است^(۱۵) از دیرباز بواسطه برخورداری از آب کافی و خاک حاصلخیز بعنوان یک قطب کشاورزی اهمیت داشته و بهمین جهت دارای شهرها و روستاهای آباد و پرجمعیت بوده است. هم اکنون نیز مهمترین شهرها و مراکز فرهنگی و اقتصادی آسیای میانه در این ناحیه قرار دارد. شهر تاشکند مرکز جمهوری ازبکستان با جمعیتی بیش از دومیلیون نفر، دوشنبه پایتخت تاجیکستان و بیشکک پایتخت قرقیزستان با فواصل کوتاهی در مجاورت این دره تاریخی و شهرهای مهم اندیشان، کوقند، فرغانه، نمگان و... در مدخل دره مزبور جای گرفته اند.

بواسطه نقش پراهمیت دره فرغانه از نظر اقتصادی و همچنین تمرکز زیاد جمعیت در آن، در ترسیم خطوط مرزی جمهوری های ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و حتی قزاقستان سعی شده که هریک بنحوی از مزایای این ناحیه بهره مند گردند. لذا نقشه سیاسی جمهوریهای مزبور در این بخش شکل پیچیده ای بخود گرفته به گونه ای که امتداد خاک هر جمهوری بصورت پیشرفتگی باریکی در داخل دره مزبور کشیده شده است. (نقشه شماره ۳) علاوه بر دره فرغانه، سایر دره های منشعب از ارتفاعات نیز بخاطر بهره مندی از آب رودخانه ها محل تمرکز جمعیت می باشد. شهرهای آلماتا (نام سابق آن ورنی VERNY بوده) پایتخت قزاقستان، بیشکک (نام سابق آن فرونزه بود) مرکز قرقیزستان، و دوشنبه مرکز تاجیکستان نیز هریک با فواصل نسبتاً کوتاهی از یکدیگر در مدخل دره های نزدیک ارتفاعات پامیر و تین شان قرار گرفته اند.

بطور کلی با توجه به تمرکز نسبتاً زیاد جمعیت و استقرار شهرهای متعدد و بویژه وجود مراکز سیاسی مهم در این ناحیه شاید بتوان آنجا را بعنوان کانون جغرافیایی آسیای میانه معرفی کرد.

گرچه در حال حاضر هریک از این جمهوریها بعنوان کشوری مستقل اعلام وجود کرده و حتی مورد شناسایی بین المللی قرار گرفته است، اما به نظر نمی رسد که در بلندمدت هیچیک از آنها به آسانی قادر به حفظ حق حاکمیت خود باشد و لذا این احتمال وجود دارد که در آینده نزدیک، این جمهوریها در قالب یک کنفدراسیون سیاسی - اقتصادی با یکدیگر متحد شوند و به صورت یو یکپارچه در آیند. در این شرایط نیز مرکز این کنفدراسیون احتمالاً در همین ناحیه خواهد بود.

■ ج - بررسی موقع عمومی منطقه - برخلاف خاورمیانه که بخاطر برخورداری از چند ویژگی مهم ژئوپلیتیکی از جمله طول ممتد کرانه ها، در اختیار داشتن تنگه ها و گذرگاههای مهم دریایی، استقرار در محل تلاقی سه قاره و امکان نظارت بر راههای بازرگانی عمده جهان و از همه بالاتر، داشتن ذخایر غنی نفت از اهمیت جهانی برخوردار است بنحوی که میتوان آنجا را بعنوان مهمترین منطقه ژئواستراتژیکی جهان بشمار آورد، آسیای میانه نه به دریای آزاد راه دارد و نه در مسیر راههای بزرگ تجاری جهان قرار گرفته است.

حتی منابع غنی اقتصادی شناخته شده ای نیز ندارد که بتوان برای آن نقش جهانی قائل شد. اما از نقطه نظر ناحیه ای دارای اهمیت خاصی است و بعنوان مکمل، در استراتژی های بزرگ منطقه ای و جهانی از اعتبار ویژه ای برخوردار است.

وابستگی درازمدت سیاسی - اقتصادی به روسها و اهمیت دفاعی این منطقه برای سرزمین اصلی روسیه از یکسو، و وجود علائق و دلبستگی های ملی، مذهبی و زبانی ساکنانش به جوامع مسلمان خاورمیانه و نیازی که از نظر اقتصادی و سیاسی به این کشورها دارند از سوی دیگر، موجب شده که در شرایط بی ثبات کنونی، جمهوری های مزبور هریک به نوعی تحت فشارها و تأثیر انگیزه های متعدد قرار گیرد.

در اینجا لازم است بمنظور بررسی نقش ژئوپلیتیکی جمهوریهای آسیای میانه، موقع عمومی آنها نسبت به دو کانون ژئواستراتژیکی روسیه و آسیا مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد.

۱- موقع آسیای میانه نسبت به روسیه

بطور کلی اساس استراتژی روسها طی قرون اخیر و بویژه در رابطه با تشکیل جمهوریهای متحد در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی، مبتنی بر یک اصل مهم استراتژیکی یعنی حفظ سرزمین اصلی روسیه از طریق توسعه فضایی بوده است.

دفاع از سرزمین پست و وسیعی که فاقد شرایط مناسب طبیعی باشد کار دشواری است. تجارب تلخ ناشی از حملات گسترده ای که طی تاریخ به این سرزمین صورت گرفته و سهولت دستیابی سریع مهاجمین به مراکز مهم اقتصادی و سیاسی این کشور موجب شده که اساس سیاست و استراتژی روسها بطور سنتی بر «اصل هماهنگ ساختن دفاع عامل و حمله همه جانبه» استوار گردد. دفاع عامل بدانجهت که مرزهای این کشور اساساً آسیب پذیر است. جلگه صاف و هموار روسیه که ادامه جلگه های اروپای مرکزی و سیبری غربی بشمار میرود همواره موجب برانگیخته شدن تمایلات سلطه جویانه اقوام و ملل همجوار بوده است.^(۱۶) تصور حمله آسان و پیشروی سریع موجب گردیده که این سرزمین بارها مورد تهاجمات گسترده تاریخی قرار گیرد. حمله مغولان در قرن سیزدهم و پیشروی آنان تا مشرق اروپا، لشکرکشی سریع ناپلئون در سال ۱۸۱۲ و همچنین هجوم همه جانبه و سریع ارتش آلمان در سال ۱۹۴۱، همگی دلالت بر این مدعا دارد. تحت چنین شرایط جغرافیایی است که روسها بقای ملت خود را در پرتو تأمین امنیت همه جانبه یافته اند.

از سوی دیگر تحقق امنیت در شرایط خاص جغرافیایی روسیه، نه از طریق «دفاع ثابت» که مستلزم سرمایه گذاریهای گزاف و در عین حال عدم تضمین کافی است، بلکه با استفاده از روش «دفاع متحرک» با قابلیت تهاجمی فزاینده امکان پذیر میباشد. به همین سبب از قرن شانزدهم به بعد آنان کوشیدند بتدریج بر قلمرو متصرفات و فضای امنیتی خود بیفزایند. پس از جنگ جهانی دوم نیز با اعمال کنترل سیاسی شدید بر کشورهای اروپای شرقی، حلقه دفاعی محکم و پیچیده تری پیرامون خود ایجاد نمودند. بعبارتی میتوان چنین ادعا کرد که «سیمای سیاسی روسیه از پیوند تاریخ و جغرافیای این کشور شکل گرفته و روسها همواره از عامل زمان و مکان بهترین بهره برداریها را جهت اجرای اهداف استراتژیک خود کرده اند.»

بدیهی است در کنار انگیزه های سیاسی و دفاعی، اهداف اقتصادی نیز شدیداً مورد توجه بوده است. طی سالیان متعادی تسلط کمونیستها، آنان با اعمال سیستم متمرکز اقتصادی و فشارهای سیاسی، روشهای مناسبی جهت

سیاسی-اقتصادی

قسمت اعظم قاره آفریقا و سراسر غرب و جنوب و جنوب شرقی آسیا را جزو جهان اسلام به شمار آورد که جمعیتی معادل یک میلیارد نفر را در خود جامی دهند. انسانهایی با نژادها، رنگها، زبانها و آداب و رسوم گوناگون که تنها در اعتقاد به اسلام با یکدیگر مشترکند. لیکن از دیدگاه سیاسی، منظور از جهان اسلام اشاره به سرزمینهایی است که خاستگاه اصلی این آئین قدرتمند بوده و تاریخ و حیات سیاسی مردم آنها رابطه مستقیم با اعتقادات و ارزشهای اسلامی دارد. با استناد به این نظریه میتوان محدوده واقعی جهان اسلام را شامل سرزمینهای واقع در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا تصور کرد که اصطلاحاً به آن خاورمیانه گفته می شود. اما حتی در این منطقه نیز که در واقع مرکز ثقل جهان اسلام بشمار می آید، علیرغم وجود یک بار ژئوپلیتیکی بسیار قوی، وحدت و یکپارچگی چندانی میان ملت‌های آن مشاهده نمی شود. وجود اختلافات جغرافیایی، نژادی، زبانی، اقتصادی و حتی مذهبی بین کشورهای مزبور توأم با اعمال سلیقه های گوناگون زمامداران موجب گردیده که وحدت اسلامی ملل خاورمیانه سست و ناپایدار گردیده و بجای آن دامنه تعارضات و کشمکشها فزونی یابد.

بطور کلی میتوان چهار پایگاه عمده قدرت سیاسی را با ویژگی‌هایی در منطقه خاورمیانه مشخص کرد که بترتیب عبارتند از: ایران، عربستان سعودی، ترکیه و مصر. البته در کنار اینها میتوان به قدرتهای درجه دومی اشاره داشت که هر یک رویدادهایی را در سطح منطقه هدایت و کنترل می کنند، اما بدلیل داشتن برخی ضعفهای ژئوپلیتیکی نمیتوان آنها را در زمره قدرتهای درجه اول بشمار آورد، نظیر سوریه، عراق و لیبی.

از سوی دیگر در بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی آسیای میانه میبایست به نقش اسلام بعنوان مهمترین عنصر وحدت ملی، فرهنگی و سیاسی مردم این منطقه تاکید ورزید. اسلام در اینجا نه فقط بعنوان یک دین مشترک، بلکه بمنزله عالیترین مظهر استقلال ملی و مهمترین عامل هویت بخشی به حیات سیاسی این مردم نقش بسیار مهمی دارد. لیکن این موضوع را نباید از نظر دور داشت که عامل مزبور بتنهایی قادر نیست روابط پیچیده و کنش و واکنش‌ها را در این بخش از جهان کاملاً بازگو کند. زیرا موزایک فرهنگی این بخش از جهان چنان است که به دشواری می توان جهت گیری‌ها و رفتارها را پیش بینی کرد. در

بهره برداری از منابع و امکانات این جمهوریها به نفع کشور خود فراهم ساختند. در آسیای میانه، هدف نهایی روسها از دیرباز مبتنی بر سه اصل کلی زیر بوده است:

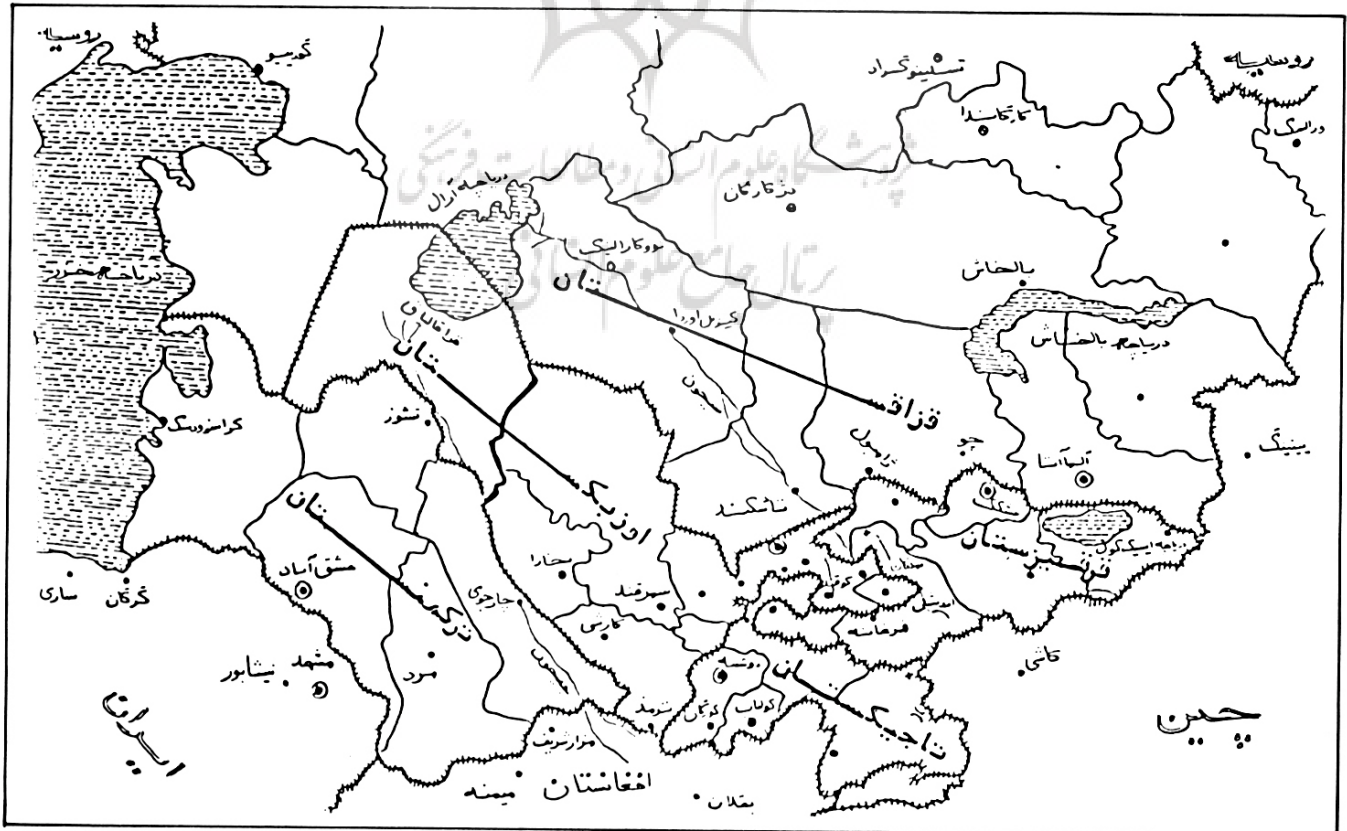
- دفاع از سرزمین روسیه در مقابل حملات احتمالی قدرتهای جهانی از سمت جنوب شرقی؛
- فراهم ساختن زمینه های مناسب جهت توسعه استراتژیکی بسمت جنوب و جنوب غربی آسیا^(۱۷)؛
- بهره برداریهای استعماری از منابع و امکانات موجود در منطقه آسیای میانه.

در حال حاضر با توجه به فروپاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی و تغییرات بزرگی که در ساختار نظم موجود سیاسی- اقتصادی روسیه صورت گرفته، اجرای این استراتژی در آینده بسیار دشوار به نظر میرسد. لیکن این نکته را باید در نظر داشت که تغییرات مزبور، بیشتر حاصل شکستهای بیابی اقتصادی شوروی طی سالهای اخیر و عقب ماندگی نسبی از روند پیشرفت تکنولوژیکی جهان غرب بوده است.

به هرحال نمیتوان نقش و نفوذ مسکورا در سرنوشت ملل آسیای میانه فراموش کرد و ضروری است که با شناخت کامل تحولات اخیر و تجزیه و تحلیل علمی روند دگرگونی های سیاسی در روسیه، سیاستهایی را در قبال مسائل این کشور قدرتمند اتخاذ کرد که منافع ملی ما را به بهترین وجه تأمین کند. به نظر نمی رسد که اساس دکترین سیاسی- نظامی مسکو نسبت به آسیای میانه تغییر چندانی یافته باشد، بلکه دیدگاههای جدیدی مطرح شده که بیشتر مبتنی بر جنبه های امنیتی است و نتایج آن در آینده مشخص خواهد شد.

۲- موقع آسیای میانه نسبت به جهان اسلام

جهان اسلام اصطلاح مبهمی است که بسته به نوع کاربرد، می توان تعابیر متفاوتی از آن داشت. از دیدگاه جغرافیایی، جهان اسلام شامل کلیه سرزمینهایی است که بخش عمده ای از جمعیت آن پیرو شریعت اسلام بوده و فرهنگ و ارزشهای اسلامی به نوعی در آنها ریشه دار و رایج باشد. با این تعبیر کشورهای متعددی را میتوان در سراسر دنیای قدیم از جنوب اروپا گرفته تا



کشورها قادر خواهند بود با ارزیابی امکانات و نیازهای خود، بررسی اوضاع و شرایط سیاسی جهان و واقعیتهای ژئوپلیتیکی منطقه، اصول استراتژی ملی خود را تعیین کنند.

لذا بدیهی است تا زمانیکه خطوط اصلی استراتژی ملی هر یک از این جمهوریهاروشن نگردیده و معلوم نشده که در آینده چه راه روشی در سیاست خارجی خود در پیش خواهند گرفت، باید در امر سرمایه گذاری در این زمینه بسیار دقیق و محتاط بود.

در اینجا میتوان چند سناریو را بشرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱- محتمل تر از همه اینکه این کشورها به علت پیوستگی دیرینه با روسیه و روبرو شدن با شرایط دشوار نخستین سالهای پس از استقلال، میل به بازگشت به سیستمی نظیر نظام شوروی سابق پیدا نمایند که در اینصورت مجدداً قطب ژئواستراتژیکی «اوراسیا» با شکلی تازه ظاهر خواهد شد.

۲- دومین پیش بینی مبنی بر این فرض است که این جمهوریها با توجه به مشکلات بسیار زیاد ناشی از خلاء قدرت و همچنین مشابهت ها و مشترکات عمیق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و همچنین شرایط خاص جغرافیایی تصمیم بگیرند در داخل یک فدراسیون منطقه ای گرد هم آیند تا از این طریق بهتر بتوانند بر مشکلات مشترک خود چیره شوند.

۳- فرض سوم نیز اینکه هر یک از این جمهوریها بنا به شرایط خاص جغرافیایی و فرهنگی، بمنظور رفع مشکلات اقتصادی خود، ضمن حفظ استقلال ملی به سمت یکی از کشورهای همسایه یا حتی خارج از منطقه گرایش یابد. در این صورت، جمهوری اسلامی ایران به علت برخورداری از موقع ممتاز جغرافیایی و داشتن پیوندهای تاریخی و فرهنگی گسترده با مردم این جمهوری ها، از امتیاز بزرگی برخوردار است.

□ زیر نویس

۱- در فرهنگ معین آسیای مرکزی به بخشی از آسیا گفته می شود که شامل کشورهای مغولستان، ترکستان، تبت و افغانستان میباشد.

2- Turanian Plain

3- Aral Sea

4- Girghiz Steppe

5- V. Pokshishevsky, Geography of The Soviet Union, p. 195

6- (S.S.R): Soviet Socialist Republic

7- (A.S.S.R): Autonomous Soviet Socialist Republic

8- (A.O): Autonomous Oblast

9- (N.O): National Okrug

۱۰- شیرین آکینر، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه محمدحسین آریا (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷) صفحه ۲۴.

۱۱- دکتر دره میرحیدر، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی (تهران: سیمرخ، چاپ چهارم ۱۳۵۷) صفحه ۵۸.

۱۲- شیرین آکینر، اقوام مسلمان اتحاد شوروی - صفحه ۳۶۵

۱۳- ژرار شالیان - ژان برراژو، اطلس استراتژیک جهان، ترجمه دکتر ابراهیم جعفری (موسسه اطلاعات، ۱۳۶۶) - صفحه ۸۷

۱۴- کلیه اطلاعات مربوط به جمعیت برمنهای سرشماری سال ۱۹۸۹ شوروی میباشد که از نقشه پیوست مجله NATIONAL GEOGRAPHY مربوط به MARCH 1990 اقتباس گردیده است.

۱۵- محمد معین، فرهنگ معین - جلد ششم

۱۶- جلال الدین فارسی، استراتژی بین المللی (مرکز انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۸)، صفحه ۵

۱۷- سیدعلی اصغر کاظمی، مدیریت بحرانهای بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۶۸ - صفحه ۹۵

۱۸- شیرین آکینر، مسلمانان اتحاد شوروی

۱۹- این ارقام تقریبی با استفاده از مقیاس نقشه های

The Collins World Atlas

تهیه شده است.

اینجا عوامل دیگری نظیر مذهب، زبان، میراث قومی، ساختار معیشتی، فرهنگ سیاسی و حتی فاصله مکانی نیز نقش مهمی ایفا میکنند. در کنار این موضوع، عدم اتخاذ یک استراتژی مشخص و هماهنگ از سوی دول اسلامی موجب شده که علاوه بر عدم کارایی سیاست همگرایی اسلامی، بخشی از تلاش دولتهای مزبور مصروف خنثی کردن اقدامات دولتهای رقیب شود.

در بررسی زمینه های نفوذ، ابتدا باید به نقش عامل مذهب اشاره کرد. بخش عمده ای از ساکنین جمهوریهای آسیای میانه را اهل سنت تشکیل می دهند که غالباً پیرو مذهب حنفی (۱۸) هستند.

به همین مناسبت روحانیون و رهبران مذهبی برخی از مراکز اسلامی این جمهوریها مثلاً در تاشکند و بخارا بطور سنتی با مراکز اسلامی کشورهای عرب بویژه قاهره ارتباط داشته اند. علاقه وافر مردم به پیروی از تعالیم قرآن و میل به بازگشت به فرهنگ اسلامی موجب گردیده که تلاش زیادی بمنظور تبدیل القابای سرلیک به عربی صورت گیرد. همچنین توجه به زبان عربی بمنظور قرآنت قرآن زمینه مناسبی جهت گرایش مردم این جمهوریها به سمت کشورهای عرب فراهم ساخته است. لیکن در اینجا طولانی بودن فاصله مکانی، اثر این گرایش ها را تا حدی خنثی میکند. زیرا فاصله طولانی کشورهای عربی به این منطقه و همچنین وجود کشورهای حائل نظیر ایران عملاً میزان ارتباطات آنها را کاهش می دهد. (فاصله خط مستقیم تاشکند تا پایتختهای عربی بترتیب باریاض حدود ۲۹۰۰ کیلومتر، با قاهره ۳۶۰۰ کیلومتر و با بغداد حدود ۱۵۰۰ کیلومتر میباشد.) (۱۹)

چند دستگی و اختلافات داخلی اعراب و فاصله طولانی کشورهای عرب با جمهوری های مسلمان نشین آسیای میانه از جمله مشکلاتی است که برقراری رابطه نزدیک میان این جمهوری ها و دولتهای عرب به شمار می رود. در عین حال کشورهایی نظیر عربستان و لیبی با ارائه کمکهای اقتصادی و نیز مصر با اعزام مبلغ و آموزش روحانیون آسیایی در مراکز اسلامی خود در تلاشند که پایگاههایی برای خود در این منطقه ایجاد نمایند.

ترکیه بر پایه پیوندهای زبانی و به کمک تبلیغات وسیع و اعطای برخی امتیازات تلاش می کند به جمهوری های آسیای میانه نزدیک شود و جای پای مناسبی در این منطقه برای خود فراهم سازد و تاکنون نیز موفقیت هایی به دست آورده است، لیکن با توجه به عدم پایداری ترکها به مبانی اسلامی و توجه زیاد آنان به مسائل اقتصادی و از همه مهمتر وجود فاصله ۳۰۰۰ کیلومتری آنکارا تا مثلاً تاشکند از طریق کشورهای حائل، عملاً با مشکلات زیادی روبروست. وانگهی ترکها ترجیح می دهند بیشتر به سرمایه گذاری های اقتصادی و فرهنگی در جمهوریهای قفقاز و بویژه آذربایجان بپردازند.

در این میان، نقش جمهوری اسلامی ایران بواسطه برخورداری از چند ویژگی ممتاز ژئوپلیتیکی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. داشتن مرز طولانی با ترکمنستان، وجود علائق فرهنگی و تاریخی مشترک میان ایران و کلیه جمهوریهای آسیای میانه، همزبانی با تاجیکها، و تاکید جمهوری اسلامی بر مبانی اسلامی بعنوان یک حلقه نیرومند پیوند، از عوامل مهمی است که در کنار نیاز ژئوپلیتیکی این کشورها به استفاده از بنادر و راههای کشورها زمینه های مناسبی برای بسط و گسترش روابط عمیق و همکاریهای سیاسی - اقتصادی و فرهنگی فراهم میسازد. جا دارد با دقت، تعمق و نیز حوصله بیشتری به این زمینه های مناسب اندیشیده شود.

بی تردید در شرایط کنونی به دشواری می توان جهت گیری هر یک از این کشورها در صحنه روابط بین الملل را به درستی مشخص کرد. وابستگی کامل به روسیه و تسلط بی چون و چرای کرملین بر سرنوشت مردم این جمهوری ها طی سالیان متمادی مانع از رشد و بلوغ سیاسی آنان گردیده است. در برخی از این جمهوریها هنوز حکومت ملی تشکیل نشده و بی ثباتی سیاسی و فقر اقتصادی دولت و جامعه را کاملاً تحت فشار قرار داده است. پیش بینی میشود که پس از تثبیت اوضاع داخلی و تشکیل حکومتهای ملی، دومین مرحله از روند تکامل تاریخی آنان نظیر جمهوریهای قفقاز بادرگیریهای قومی و اختلافات مرزی با دیگر جمهوریها توأم باشد. تنها پس از آن است که این